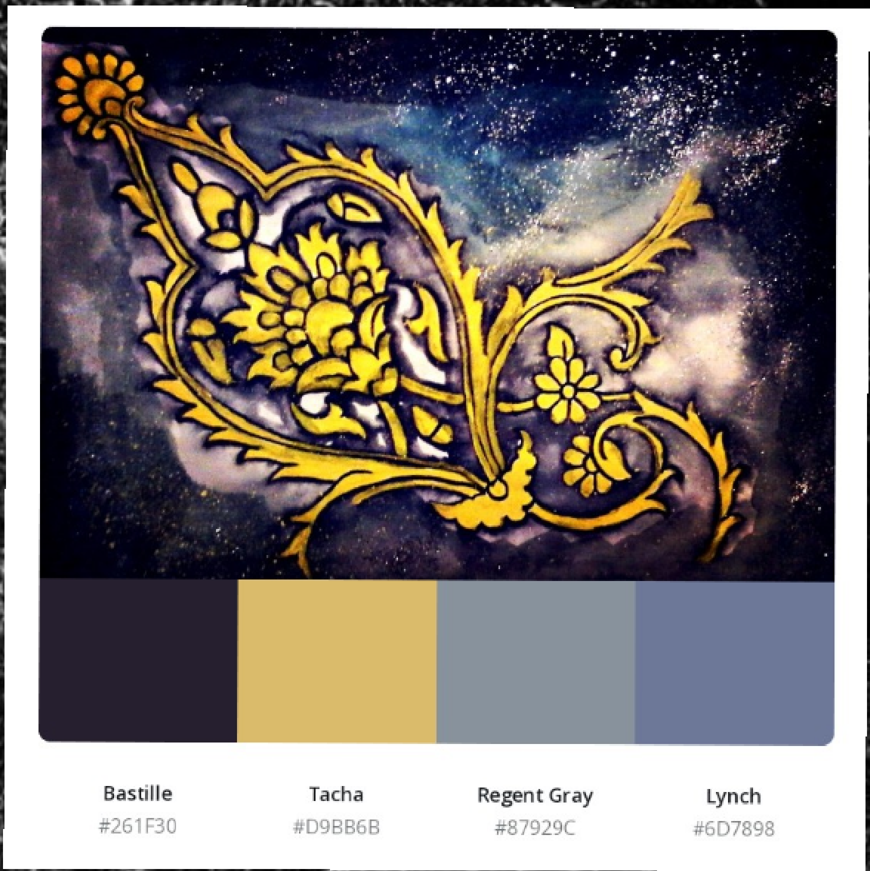
آشنایی با رنگ سیاه به کمک

سینستزیا

چطور به کمک توانایی ذهنی سینستزیا، درکی
عمیق تری نسبت به رنگ ها پیدا کنیم؟



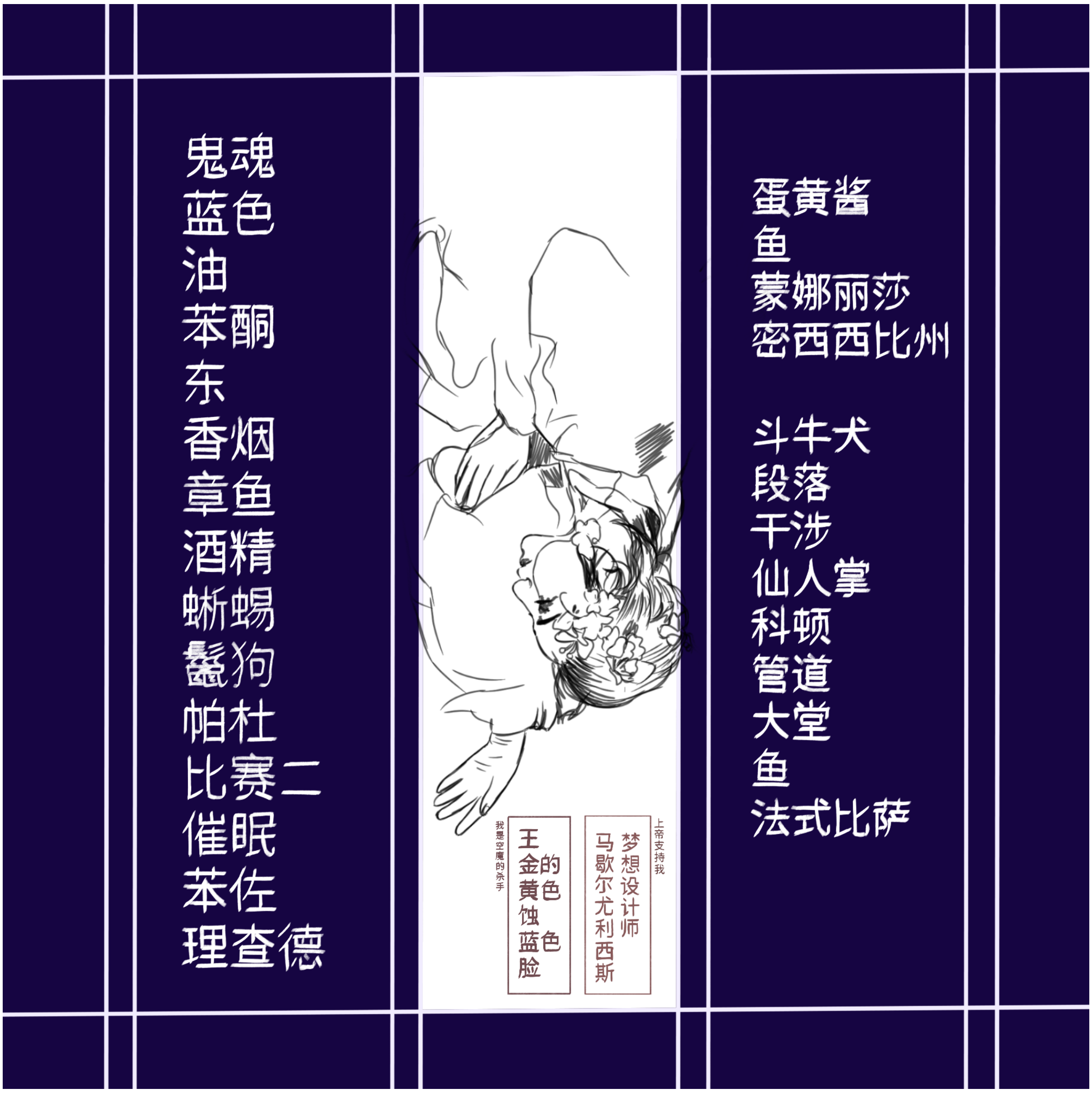
نویسنده:
زهرا رئیسی

درباره این نوشتار:
این مقاله یه متن کوتاه در مورد رنگ سیاه و سنتز طیف های مختلفی از این رنگ به کمک حس شهود هست. اونچه که اصطلاحا بهش سینستزیا گفته میشه. در واقع فرق خاصی نداره که از کجا سیر سنتز رنگ ها رو شروع کنیم. از هر جا شروع بشه خوبه و میتونه به تدریج حساسیت انسان رو نسبت به رنگ افزایش بده.
برای من دشوار بود که از عکس هایی که دیگران تهیه کردن برای سنتز رنگ ها استفاده کنم چون در تهیه اون عکس ها دخالتی نداشتم و عملا تجربه ای در مورد اون طیف های رنگی به دست نیاوردم. اما وقتی از نقاشی هایی که طی سال های اخیر کشیدم شروع کردم، تصاویر راحت تر درون ذهنم ایجاد میشد. نقاشی تجربه اصیل و بدوی جالبیه که ما رو به بدوی ترین شیوه های شکل گیری مفاهیم نزدیک میکنه.
رنگ ها بسیار مجرد و عمیق هستن. داستان هایی که در این نوشتار برای توصیف هر رنگ استفاده شده میتونه فقط بخش کمی از رنگ رو توصیف کنه. این داستان های کوتاه تلاشی هستن برای این که رفتار رنگ رو بهتر درک کنیم اما یه شیوه قراردادی نیستن. هر فردی میتونه خودش به تنهایی به نام گذاری یا داستان گفتن برای رنگ ها مشغول بشه. این کار واقعا هیجان انگیزه و باعث میشه عملا رنگ ها رو درونی سازی کنیم.
داستان سرایی باعث میشه رنگ ها درون ذهن ما وادار به بروز رفتار بشن. نام های کوتاه یا صرفا کد گذاری رنگ ها شیوه های ساده ای هست که زیاد رنگ رو وادار به بروز رفتار نمیکنه. در تابلو های نقاشی هم ما میبینیم که رنگ ها شروع به نشون دادن رفتار میکنن اما عملا لغت نامه خاصی برای برچسب زدن به رنگ ها وجود نداره. هر نقاش سفر ذهنی خودش رو طی میکنه تا بتونه بخشی از طیف های رنگی رو درک کنه.
این نوع از نوشتار ها یه تلاش هستن برای کسب تجربه های متفاوتی در مورد رنگ که سعی دارن خودشون رو در قالب کلمات ثبت و منتقل کنن.

شیوه ی اسم گذاری در سایت کانوا
متوجه شدم سایت کانوا برای یه رنگ تیره که کمی غلبه ی بنفش داشت و یه رنگ تیره که کمی غلبه ی نارنجی داشت؛ اسم کاملا مشابهی گذاشته. رنگاش حتی برای چشمی با حساسیت کم هم تفاوت زیادی دارن. اما همین کاری هم که کرده مفیده و مطالعه ی رنگا رو راحت تر میکنه.

شیوه ی اسم گذاشتن شون هم بر اساس اسمایی هست که به گوش آدم ها معنی داره و از قبل طراحی شده تا حس یا تصویری خاص رو تداعی کنه.
این شیوه هم خوبه ولی همه اش احساس میکنم برای بهینه تر نوشتن در مورد رنگا؛ یه سیستم دیگه هم لازمه. روشی که هر حرف و آوایی رو در کنار همدیگه قرار بدی بتونه یک رنگ رو فراخوانی کنه.

تفاوت مطالعه ی رنگ به صورت تکی و پالتی
فرق اینکه رنگ به صورت تکی و پالتی آزمایش یا مطالعه بشه برای من اینطوره که رنگ به تنهایی پر از داده است که طبقه بندی خاصی نداره اما وقتی توی پالتای مختلف قرار میگیره؛ ذهن در مورد ویژگی های مرتبطشون تحریک میشه و داده میگیره. پالتی مطالعه کردن راحت تره.



موضوع این نقاشی؛ رنگی هست که در زمینه قرار گرفته و سمبل ها و احساساتی که حین فکر کردن به این رنگ تداعی میشه. بیایید برای این رنگ یک داستان بداهه یا یک رویا و خواب بسازیم:

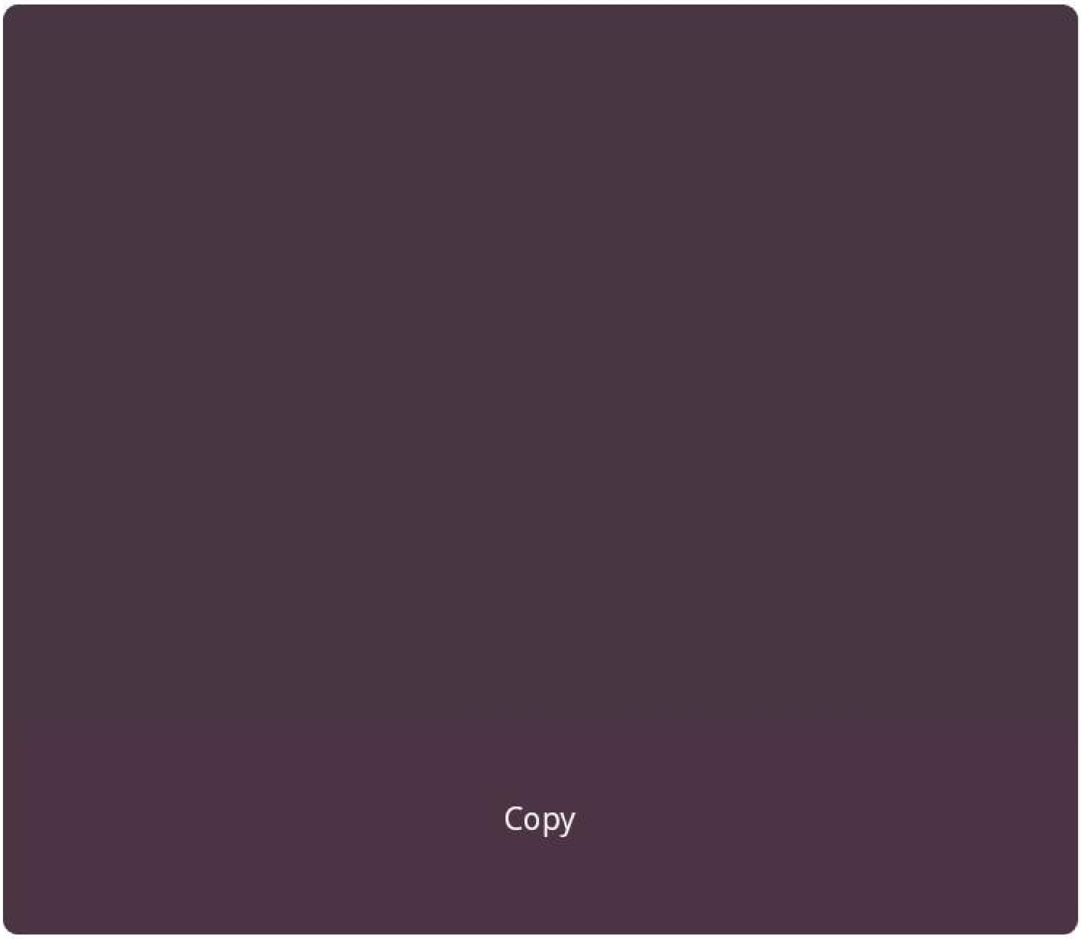


Tolopea
#140444

خب این رنگ واقعا با نفوذه و تصویری از یک قوم با قدرت های منطقی و مهندسی بالا رو برام تداعی میکنه. حس ریاست طلبی و غرور رو تداعی میکنه. افرادی که هم دوست دارن و هم میتونن نفوذ ذهنی زیادی روی افرادی که مثل خودشون نیستن به دست بیارن.
تصویر گروه کوچکی رو میبینم که با ابزار های مکانیکی و پیشرفته ی خودشون سفر کردن و از دیدن بی تفاوتی بعضی ها به ابزار ها و عناصر تعجب کردن. چون خودشون عادت دارن مدام درون عناصر و مواد؛ تغییر ایجاد کنن و ابزار هایی برای رفاهشون درست کنن.



موضوع این نقاشی در مورد رنگ زمینه اش هست و سمبل هایی که تداعی میکنه. بیایید در مورد این رنگ یک رویا ببینیم:

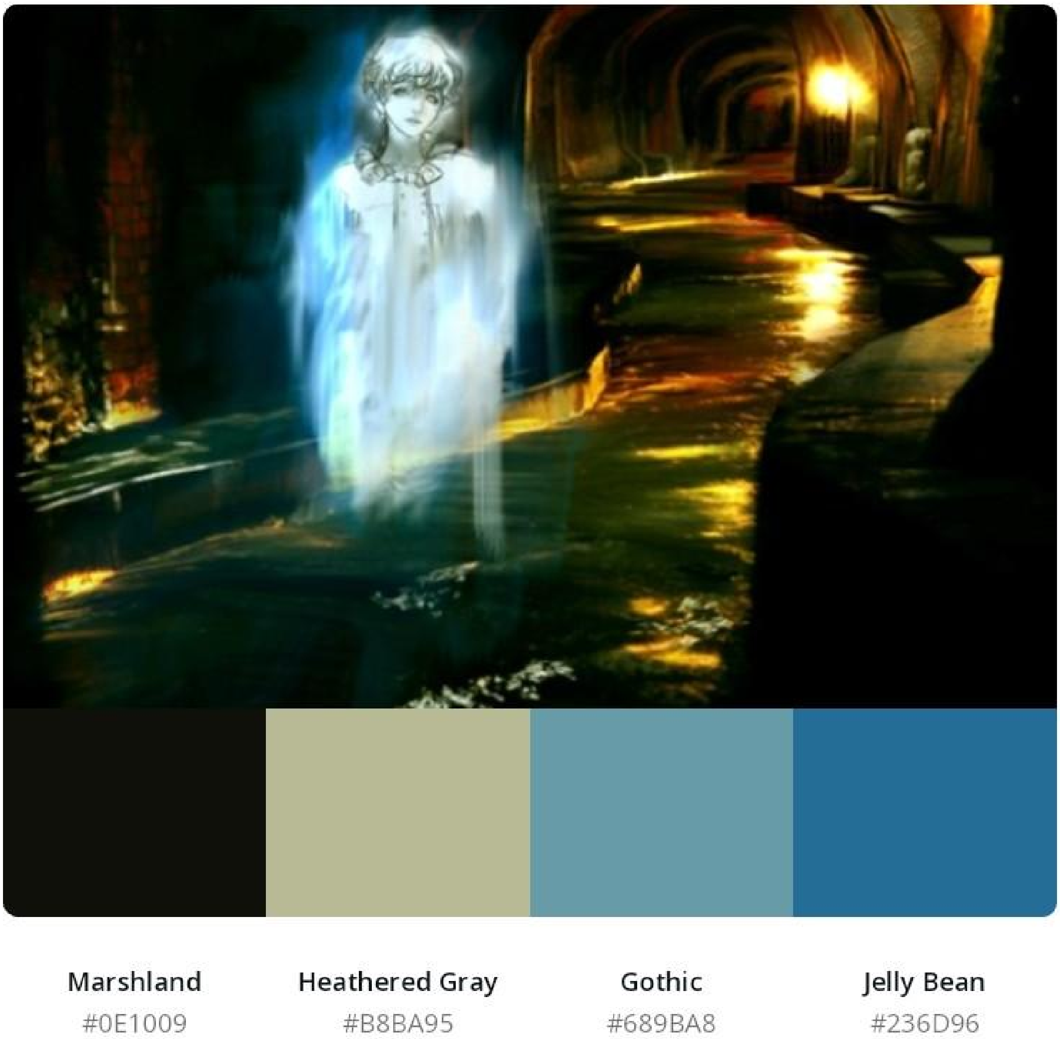


Matterhorn
#4C3444

چند نفر مشغول ساخت تونل هستن؛ جایی که انتظار میره به یه ماده ی معدنی خوب برسه؛ چیزی مثل طلا یا نقره. اما خاک در اون ناحیه خیلی سست و نرمه؛ منطقه هم بارانی و جنگلیه.
اگه او خاک رو برای کشاورزی استفاده میکردن؛ سود بلند مدت تری به دست میومد و افراد بیشتری به رفاه می رسیدن.

هدف این کتاب مطالعه ی رنگ های تیره است. من از رنگ هایی استفاده کردم که به نقاشی های خودم غلبه دارن و تجربه شون کردم چون احساس کردم این رنگا رو راحت تر میتونم تفسیر کنم. مثلا اگر بدون پیش زمینه به سراغ یک رنگ میرفتم چون منو یاد هیچ روز و فکر و تجربه ای نمینداخت؛ کار رویا دیدن رو دشوار میکرد. این یک شیوه ی بداهه و شهودی برای دیدن ذات رنگ هاست. رنگ ها تداعی کننده ی مفهومی بسیار ذهنی به نام احساس یا انرژی هستن. انرژی ای که روی تمام جوانب زندگی ما تاثیر میذاره. رنگ یک سمبل بسیار مجرد و قویه و ما رو به مفهوم انرژی یا احساس بسیار نزدیک میکنه.

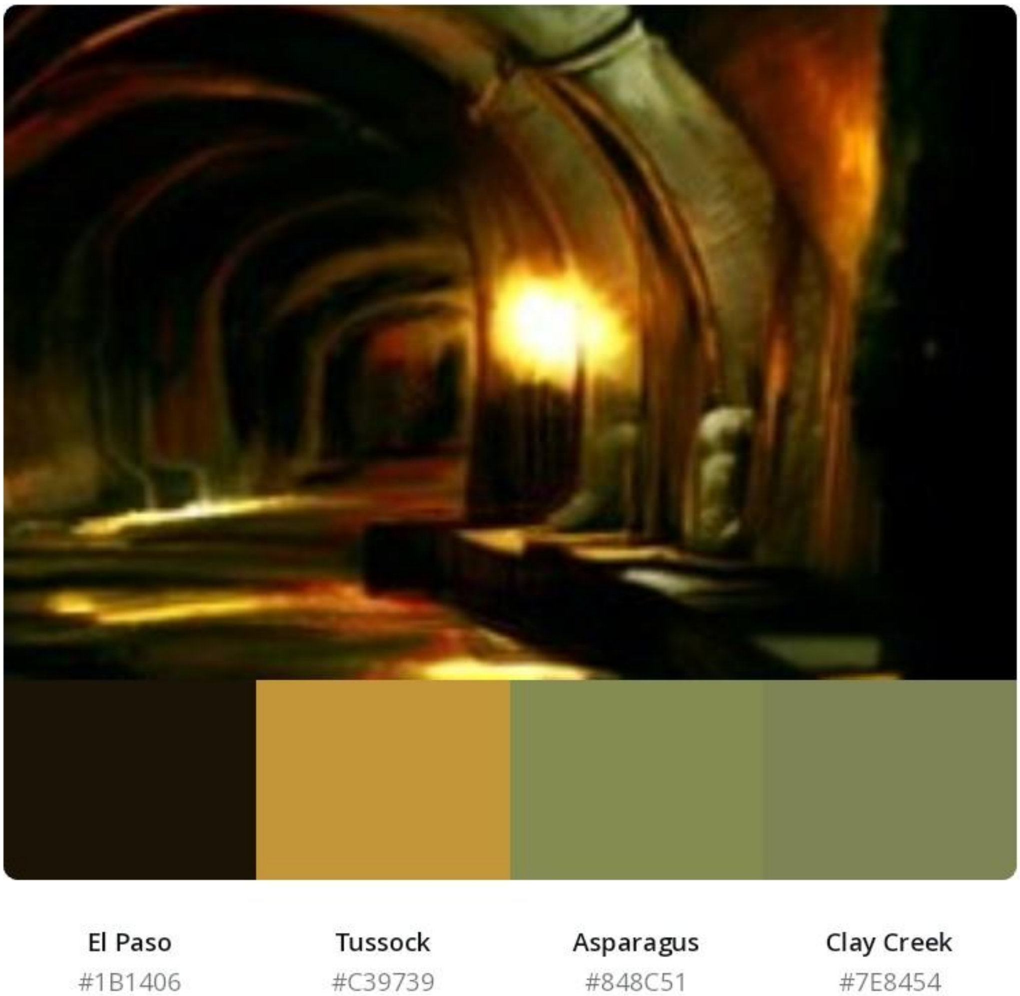
رنگ marshland



یک سیستم کسب و کار که از دل روابط سیاسی میگذره تا بتونه به سرزمین ها و فرهنگ های مختلف بره. یک شخصیت پدرانه که توی این سیستم کار میکنه؛ خیال میکنه هدف فقط تجارت برای خونواده اش هست. در حالی که تصمیماتی که میگیره؛ اخلاقیاتشو به چالش میکشه و زندگی طیف وسیعی رو تحت تاثیر قرار میده. برای همین نباید با ترس و طمع تصمیم بگیره و از دنیای کوچیک خونواده ی خودش بیرون بیاد و در مقابل سرنوشت همه مسیولیت پذیر باشه.

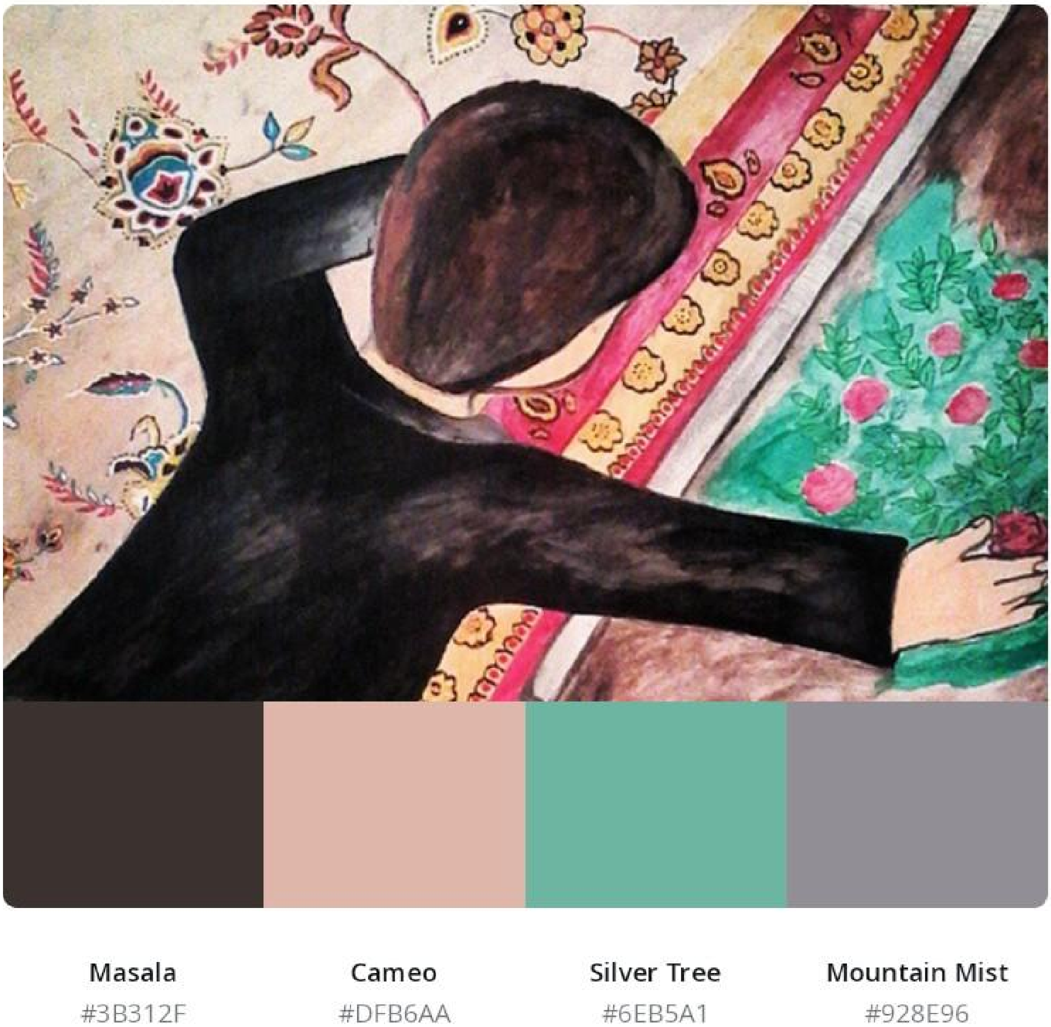
آشنایی با رنگ El paso

کودک باهوش؛ فردی که پرسش های زیادی رو مطرح و پیگیری میکنه چون احساس ناامنی داره یا تو این شرایط بزرگ شده. اون میتونه شیوه های مراقبت از خودش رو مهندسی کنه و ایده هاش پیچیده و شگفت انگیزه.



اما اگر اخلاقیات این کار رو یاد نگیره تبدیل به شبح پنهان میشه و توانایی هاش راکد میمونه.

آشنایی با رنگ masala



یک فرد که با عناصر سخت کار میکنه؛ اونها رو شکل میده و باهاشون جواهر میسازه. چیزی که به وجدش میاره؛ شکل ظاهری جواهرات نیست؛ هر بار از دیدن رفتار و عناصر مشابهش در مقابل آتش و آب و خاک شگفت زده میشه.

آشنایی با رنگ Outer space



Outer Space	Indian Khaki	Gulf Stream	Wedgewood
#282E2D	#BEA68D	#77A6B2	#458096

کارهای دشواری که ترکیب چند تخصص پر مسیولیت هستن و به صورت گروهی هم نمیشه انجامش داد. تعداد کمی از این افراد درون یک تمدن وجود دارد و اغلب از خودشون دستور میگیرن چون کسی جز خودشون نسبت به کاربرد این مهارتا در آن واحد آگاه نیست.
در علوم طراحی و مهندسی؛ آینده نگری و ترمیم و بازسازی مهارت دارن. برای افرادی که باهاشون سر و کار ندارن؛ مرموز و جذابن اما افراد با نفوذ؛ نسبت به این افراد احساس خطر دارن. و البته احساسشون هم درسته.

پالت ها چطور با تجارب ما گره خوردن؟
وقتی به احساسایی که برامون اسم آشنایی دارن فکر میکنم، مثل ترس، خوشحالی و تنهایی، یک رنگ تنها نمی بینم، یک بری پالتای مختلف میبینم. در واقع اون رنگ های تکی اشاره به یه احساس یا حالت ذهنی دارن اما اون احساس خیلی دور از دسترس برای توصیفه.

پالتا تجارب آشنا و نزدیک تری رو تداعی میکنن و میشه به کمک شون، بخش کوچکی از مفهوم یک تک رنگ رو توصیف کرد.



Haiti

چشم های تیز بین و مسئولیت های سنگین. اشتباهی که بعضی افراد با استعداد انجام میدن اینه که فکر میکنن قدرت و اعتماد به نفسی که دارن چیزی جدا نشدنی از وجودشونه. در حالی که به محض سو استفاده از قدرتشون ممکنه تبعید بشن و تازه یادشون بیاد که اگه در مقابل بقیه مسئولیت پذیر نباشن، استعداد ممکنه به ضرر خودشون و بقیه کار کنه.



Oxford Blue	Delta	Mantle	Lynch
#2F3B48	#A3A69B	#81958D	#678395

Oxford blue

یک خانواده که دور از تمدن و در یک جزیره زندگی میکنن و از طریق دوختن لباسای رنگی برای موجودات ساکن شهر های دریایی امرار معاش میکنن. این موجودات دریایی وجود خودشون رو برای آدم ها مخفی کردن به جز این خانواده و افرادی که مثل اینها زندگی میکنن.

نکته در مورد طیف های رنگی:

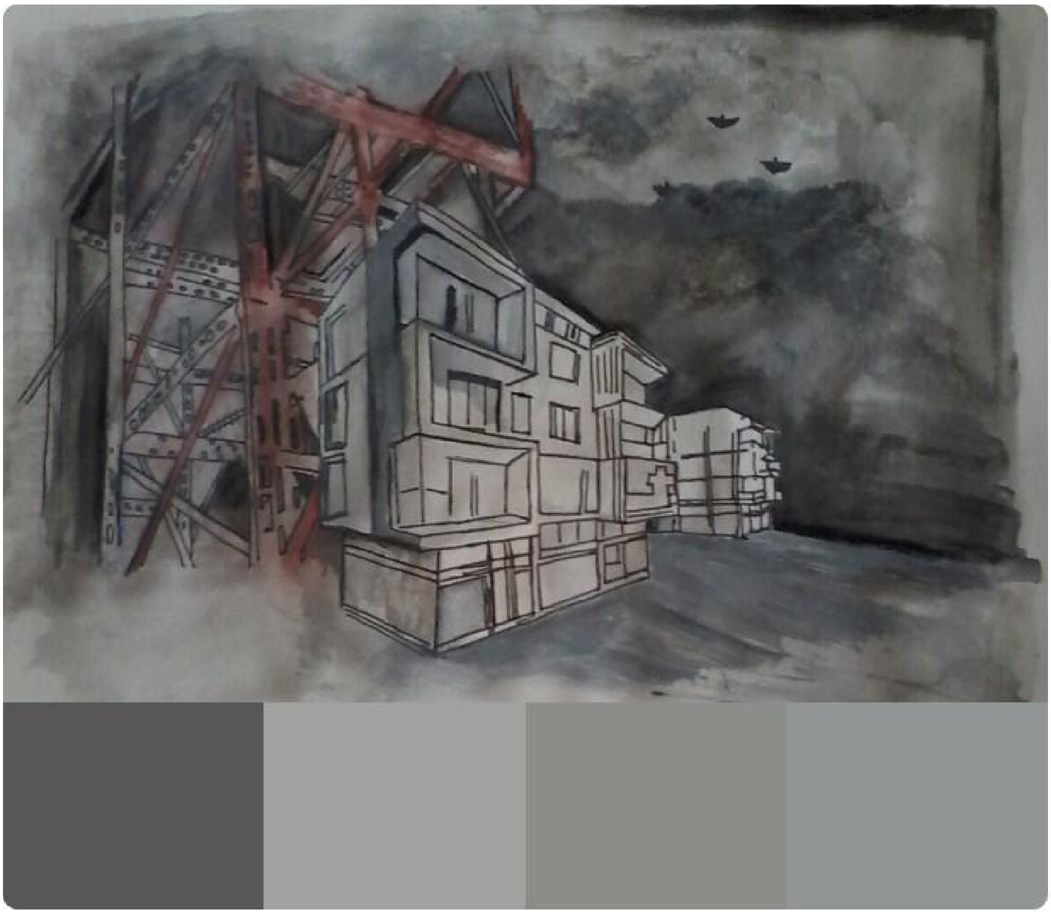
مفهوم رنگ به نظر اینقدر آزاد و عمیقه که مثلا اگر برای یک رنگ عدد ۶ رو کد در نظر بگیریم به این معنیه که این ۶، اشاره به طیف های بی شمار این رنگ بین دو عدد ۵ و ۷ داره و شاید هیچ وقتم نتونیم همه این طیفای بین ۵ و ۷ رو شناسایی کنیم یا اسم بذاریم.



Baltic Sea	Clam Shell	Topaz	Oslo Gray
#1D1C20	#D0ACB7	#807A8F	#878E95

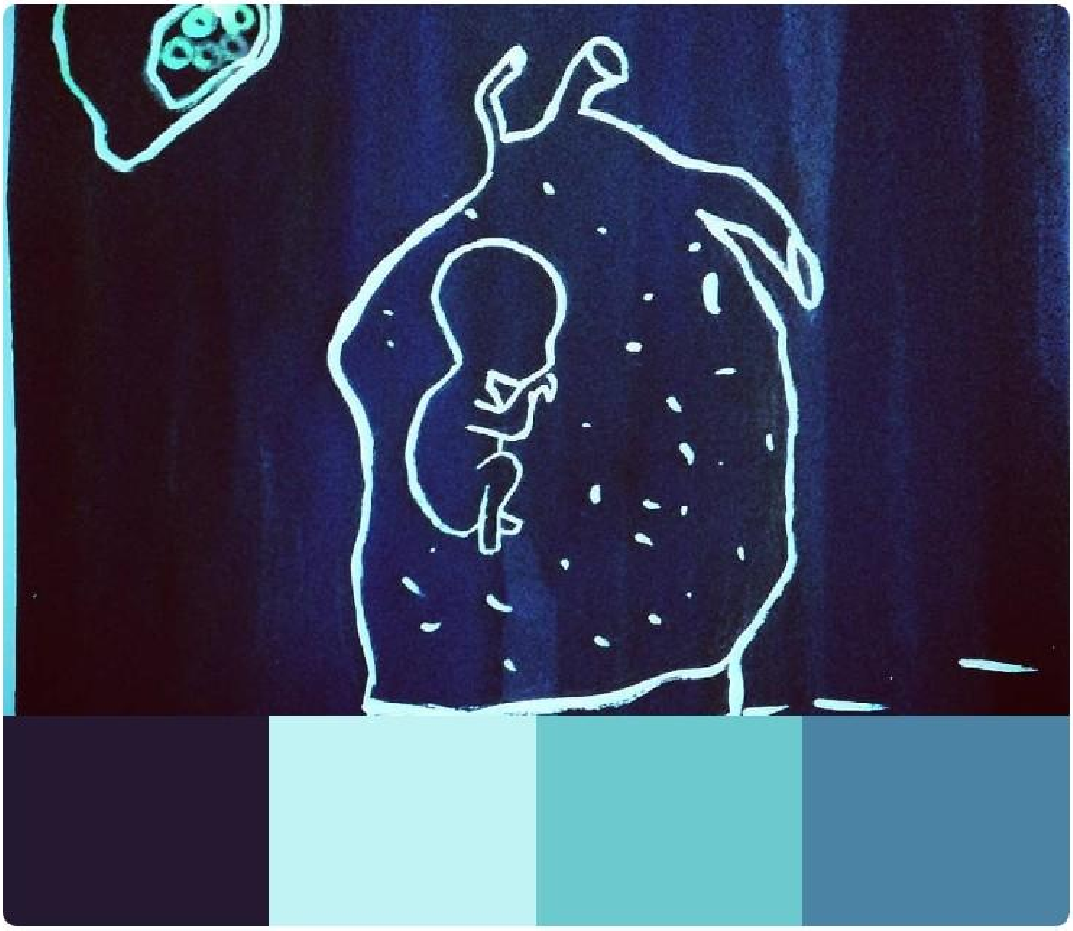
Baltic sea

فردی که در پنهان کردن چیزای ریز و درشت مهارت داره و این کار بهش حس امنیت میده. وقتی چیزی رو پنهان میکنه میدونه که دیگه کسی به راحتی نمیتونه از اون موضوع سو استفاده کنه.
اون میگه: فرقی نداره طرف مقابل چه قصدی داره، چه فرد سو استفاده گری باشه چه یک دوست، در مقابل پیچیدگی و ژرف بودن موضوع دچار دشواری و سردرگمی میشه.
من بهای کشف اونچه ارزشمند هست رو افزایش میدم چون فرد سو استفاده گر، کاری که براش سودی نداره رو انجام نمیده و افراد دیگه هم تا به موضوع، علاقه جدی نداشته باشن به جست و جو مشغول نمیشن.
به این ترتیب من ایرادی نمیبینم که به لحاظ شخصیتی فرد پیچیده یا چند چهره ای باشم، این کار بهم حس امنیت میده، فقط میدونم که هیچ کدوم از رفتارا و اهدافم نباید موذیانه باشه.



Chicago

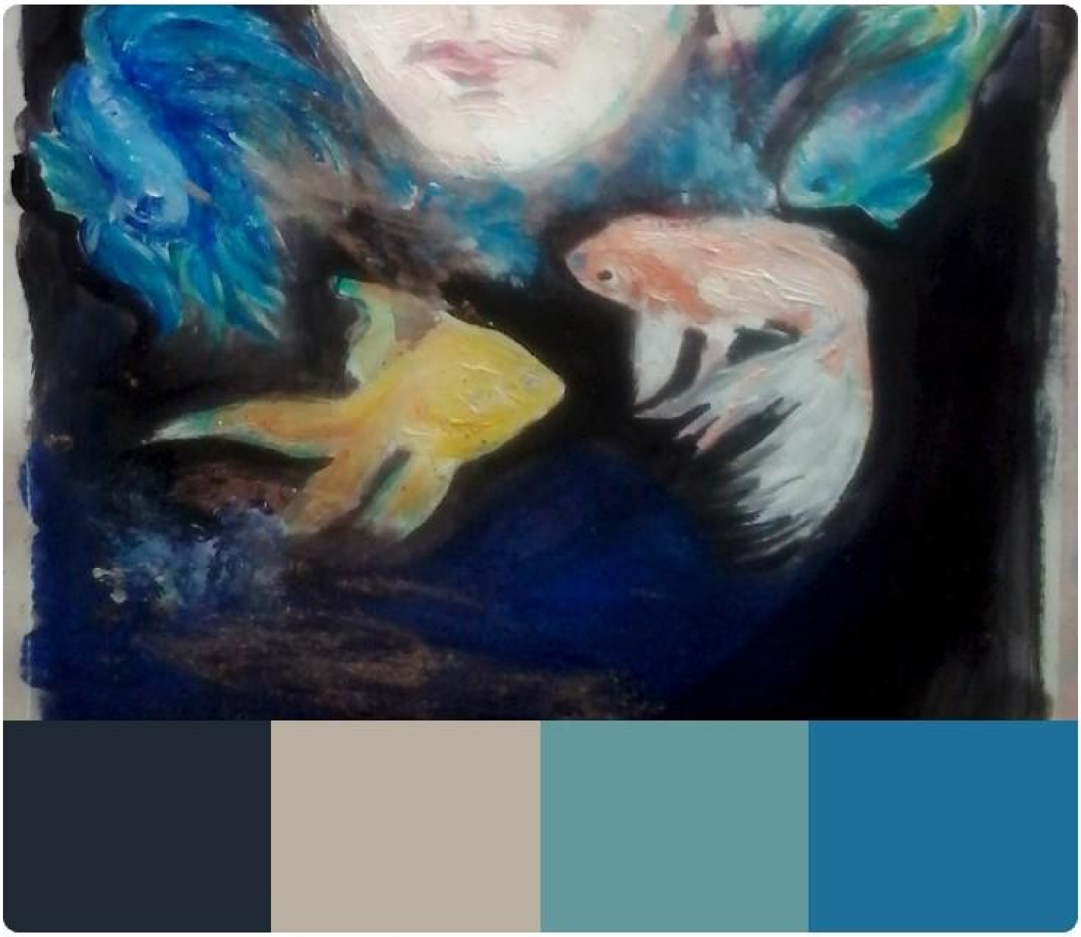
روزنامه نگار، اهل زندگی مینیمال. فردی که در جامعه کم حرف و مثل آفتاب پرست معاشرت میکنه اما درونش مثل یک صافی همه چیز رو تحلیل و بررسی میکنه و مقاله های طولانی می نویسه. محض تفنن رمانی رو شروع میکنه که در قالب یه داستان، دنیای معاصر خودش رو به شکل زیرکانه ای نقد و توصیف میکنه و این کتاب، نقطه عطف زندگی این آدمه.



Revolver	Mint Tulip	Downy	Wedgewood
#241931	#C1F2F4	#6CCACF	#4B83A4

Revolver

زن باهوش، جوان، جامعه گریز که علم درمانگری رو یاد گرفته و چالش همیشگی زندگیش اینه که به آدما سود برسونه یا ضرر؟ حس بدی به خودش داره و فکر میکنه موضع نامشخصی داره. اما در واقع اغلب مشغول درمان و سود رسوندن به دیگرانه. افکار ضد اجتماعیش هم صرفا در حد فکره و به مرور در حال ضعیف شدن.



Ebony Clay	Nomad	Breaker Bay	Matisse
#202933	#B9B0A1	#63999D	#1D709A

Ebony Clay

فردی که در حاشیه بیابان در یک اتاقک مشغول تحقیقاته. در جمع یک فرد خنثی و بی تفاوت به نظر میرسید اما اینجا فرصتی پیش اومد تا با طبیعت اطرافش یکی بشه و پتانسیل های جدیدی رو درون خودش کشف کنه. اون به فلسفه ذهن و مهندسی درون انسان علاقه داره و شاید به زودی در این باره بیشتر بنویسه.



Cape Cod	Delta	Lemon Grass	Stack
#353736	#A7A7A5	#9E9B8A	#8B948B

Cape cod

فردی اهل دام پهن کردن. دام پهن کردن صرفا شرارت آمیز و منفی نیست، اون موجودات شرور رو شناسایی میکنه، ویژگی های روانی و نقطه ضعفاشون رو اسکن میکنه و بر همون اساس براشون دام طراحی میکنه. اما درگیری و کشتنشون رو به دوستای مبارزش حواله میکنه.



Tuscany	Asphalt	Regent Gray	Jumbo
#BB5935	#0A0504	#7C8C94	#74707C

Asphalt

مرد درشت و همواره پر انرژی ای رو میبینم که کنار یک باغ زندگی میکنه و به کمک تلفن و اینترنت، تعیین میکنه کالاها چه زمان خریداری بشن، از کدوم منطقه به کدوم منطقه برن و کی به فروش برسن. در واقع نسبت به ماهیت مجهول و سرسخت زمان، درک خوبی داره. حالا به خودش بستگی داره ازش استفاده کنه یا سو استفاده.

چرا سمبل ها و رنگ ها رو به انسان ها تشبیه میکنم؟
اینکه سمبل ها، رنگ ها و عناصر به یه انسان تشبیه بشه از این بابت خوبه که انسان به خاطر طراحی پیچیده و خاصی که داره میتونه رفتارای متنوعی از خودش بروز بده و این رفتارا هر چقدر عجیب باشن باز تا حدی میتونیم باهاشون همزاد پنداری کنیم.



Tabasco	Cocoa Brown	Grain Brown	Venus
#9A2911	#201A1A	#DFD0AD	#94878C

Cocoa brown

زن اهل ذخیره سازی. اون چیز های به ظاهر بی ارزش و ریز و درشتی رو جمع میکنه چون میتونه تصور کنه که یکروز از این ابزار ها میشه استفاده کرد. اما اون همیشه طوری قضاوت میشه که اطرافش پر از آشغاله. به هر صورت اون یه فرد خلاقه و اطرافیانش فقط وقتی دچار مشکل میشن و راه حل خوبی ازش دریافت میکنن برای لحظه ای متوجه شیوه متفاوت فکر کردنش میشن.

این نقاشی در مورد یک خواب هست که گاها به شکل های مختلف میبینم اش و برام معنی های زیادی داره. اون برج الهام گرفته از همون کارت برج تاروته. بالای این برج همیشه چیزی شبیه به قیف وجود داره که ورودی ها رو تصفیه میکنه.

قیفی که توی این نقاشی هست در واقع تصویر یه قیف تصفیه یا بوخنر هست که آدما تو آزمایشگاه و موارد خاصی استفاده میکنن. این شبیه ترین چیزی بود که به تصویر خوابم پیدا کردم.

گل رز آبی برای من نماد کهن بودن برج و آموخته هاش هست و چند حس دیگه. این برج مثل برج تاروت طی دوره های زمانی خراب نمیشه تا زمانی که اون قیف تصفیه بالای سرش هست.

داده ها و ورودی های ذهن خیلی زیادیه و در ابتدا آدم، طمعکارانه دوست داره دریافت کننده همه این داده ها باشه، ولی زمانی که به حدی از خرد برسه که ورودی هاش رو کنترل کنه و داده های پر زرق و برق اما منفی رو بن کنه، از این برج مراقبت کرده.



Casper #B3BCD4
Big Stone #1A2A4D
Scarpa Flow #59576A
Dove Gray #646464

Scarpa flow

یک خانومی رو میبینم که عطر ها رو میشناسه و هر وقت فرصتی پیش میاد به دنبال تجربه های غیر تجاری و مرموز تر میره. میگه: شکل اصیل بو های لطیف و مطبوع، بسیار فرار و ظریفه، برای همین کسل کننده به نظر میرسه. اما وقتی به انتهای کتابخونه و آرشیوم میرم و قوانین رو فراموش میکنم، میبینم که این بو های ظریف به لحاظ ذهنی کاملا اشباعم میکنه.



Bastille

منتقدی که در کتابخونه مشغول مطالعه است و هر بار که کتابی رو میخونه کمی از موهاش بلند میشه. اون موها رو میچینه و میسوزونه و از خاکسترش جوهری میسازه و برای نوشتن یک نقد جدید استفاده میکنه. بخشی از این فرایند براش ناخوش آیند و منزجر کننده است و هر آن امکان داره حس خشم یا ناامنی به سراغش بیاد. ولی اون هر بار که کتابی رو میخونه بخشی از موهاش بلند میشه و میتونه انتخاب کنه که از اون موها به شیوه های مختلفی استفاده کنه. نقد رو دوست داره چون فرایندش جالب تره و میتونه افکارشو به شکل بهتری منتقل کنه.



Fuscous Gray	Bud	Granite Green	Oslo Gray
#4D4F49	#A2A89A	#90906E	#8F9394

Fuscous Gray

فرد خیاط که دامن های خودشو وصله میزنه و هیچ علاقه قلبی ای به پوشیدن لباس های مختلف یا ست کردن و جمع آوری کلکسیون لباس نداره. دیگران فکر میکنن به خاطر خساست یا دست شستن اش از دنیاست اما اون در واقع تجاربی که از پوشیدن لباس به دست میاره رو دوست نداره و براش کار کسل کننده ای هست.

عادت به مهندسی و ایجاد الگو ها و طرز فکر های مختلف یا ایجاد ابزار های ذهنی؛ میتونه باعث بشه که موجود، انرژی کمتری رو برای مصرف کردن کنار بذاره.

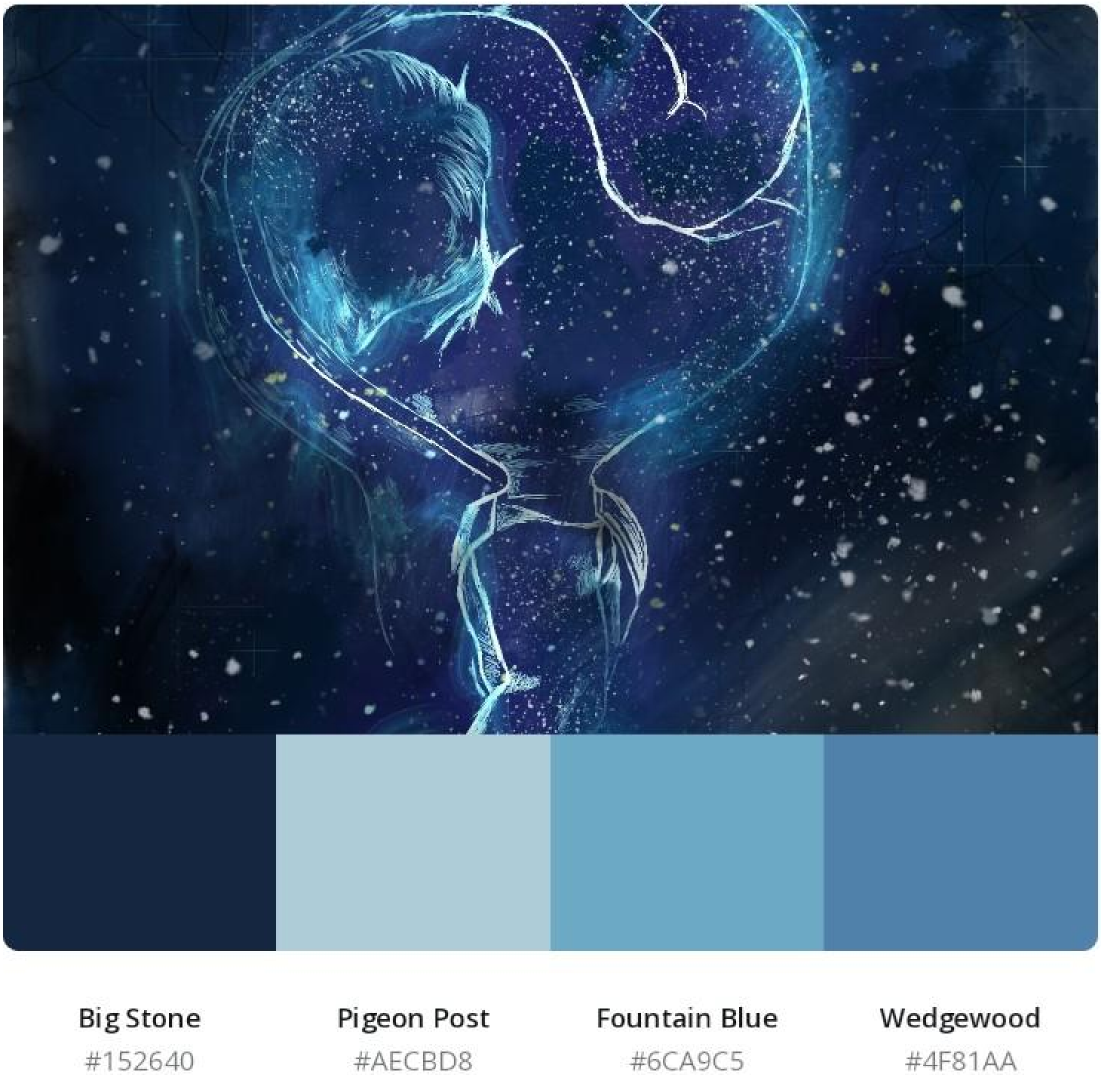


Bastille	Tacha	Regent Gray	Lynch
#261F30	#D9BB6B	#87929C	#6D7898

Bastille

رنگ اغما، گاهی وارد سفر های ذهنی ای میشیم که بسیار مبهم و به نظر ناخواسته هستن و در ابتدا ما رو با جزئیاتی رو به رو میکنن که قصد مرورشون رو نداشتیم اما این اتفاق باعث میشد به دست آورد ها و تجارب جدیدی برسیم که میتونن مفید باشن.

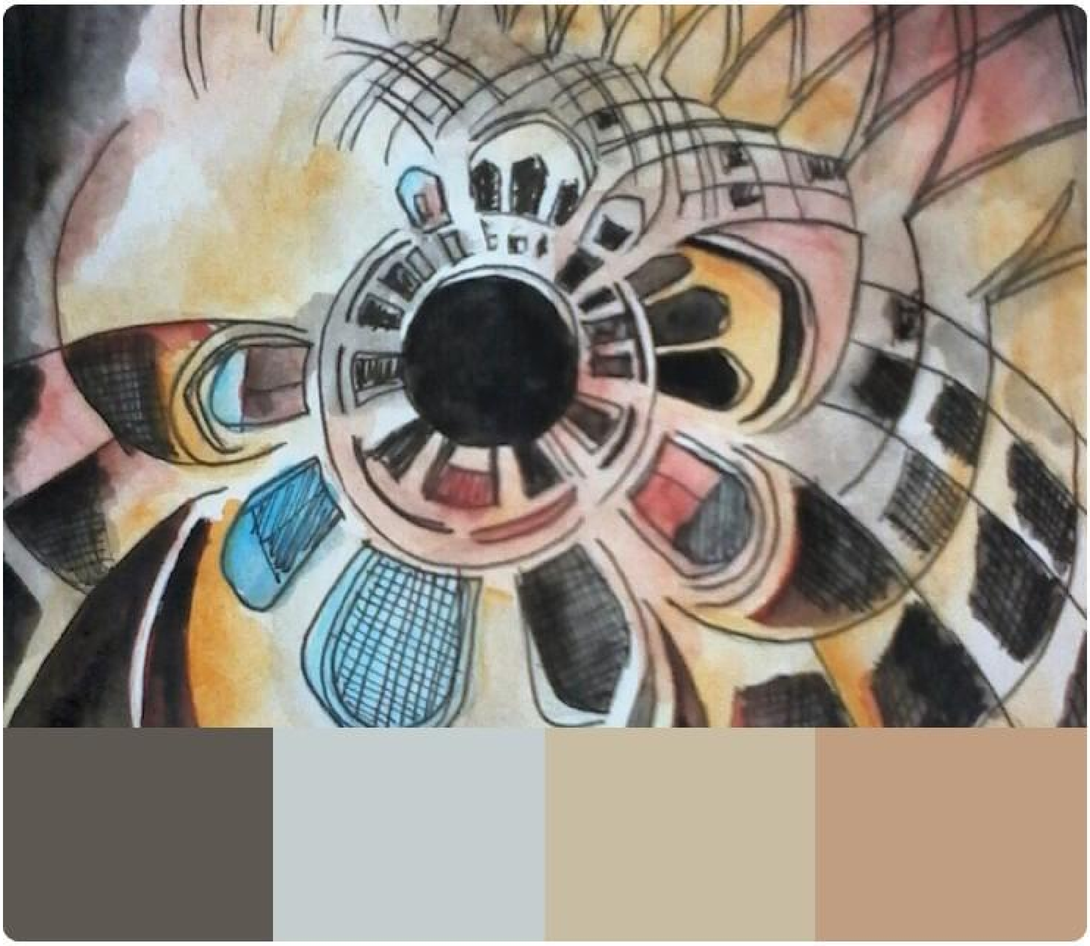
مردی که با یک معامله وارد مسیر پر دردسری میشه و ناخوش آیند ترین تجارب رو به واسطه اتفاقات مرور میکنه اما این شوک و ناگهانی بودن مسیر باعث میشه تا یکبار برای همیشه نسبت به اطرافیانش واکنش جدی نشون بده و مانعی جلوی سو استفاده هاشون ایجاد کنه.



Big stone

زنی که در یک ساختمان اداری کار میکنه اما در حیطه کاری خودش تنهاست و کسی دقیقا نمیدونه چه وظایفی داره. اون باهوشه، اهل مطالعه است و تمرکز بالایی داره و راه حل هایی ارائه داده که فراتر از انتظار کارفرماش بوده.

کارمند های دیگه این سرعت پیشرفت و محبوبیت اش رو نامشروع میدونن و دچار یه انزوای ناخواسته شده، اما اون یکی از بهتریناست که افراد کمی متوجه قابلیت هاش هستن. این یکجور حس امنیتی به مسیر شغلیش میبخشه.

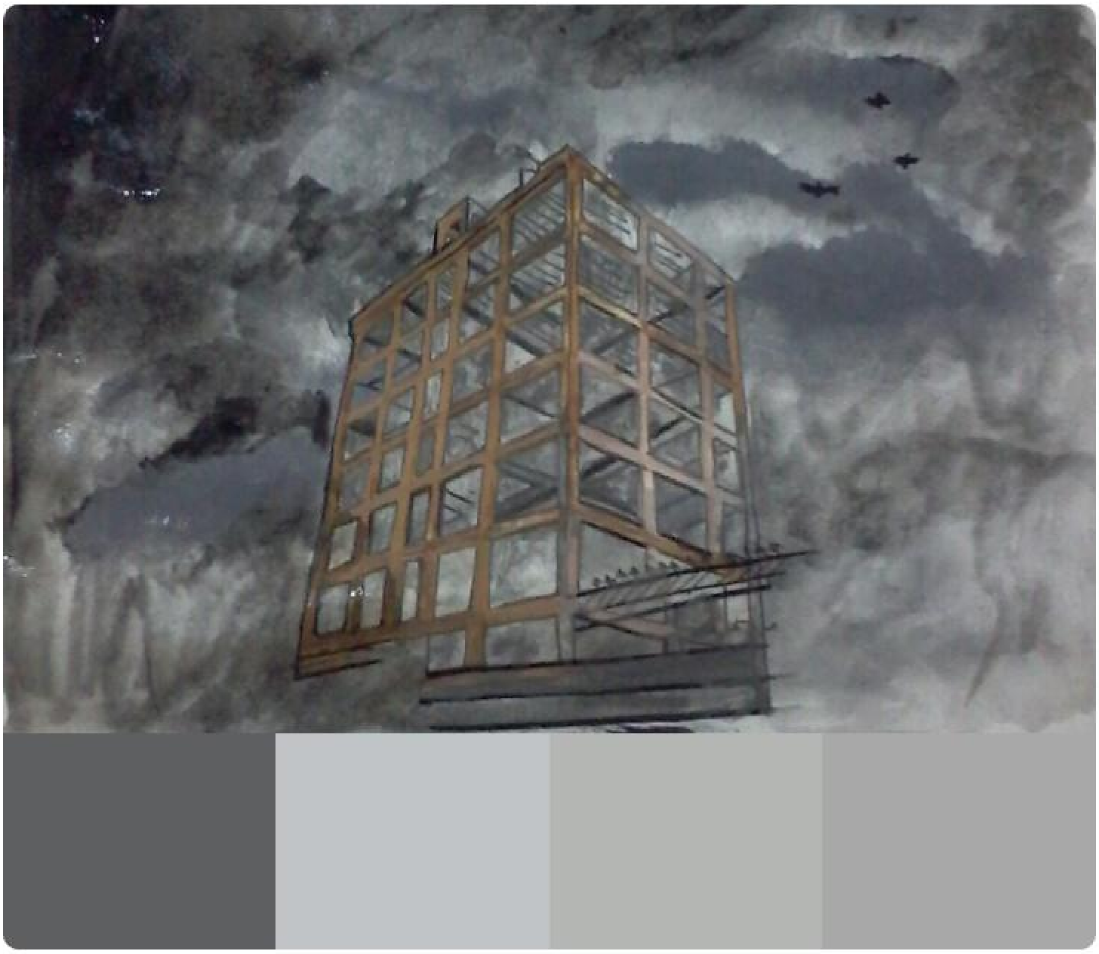


Chicago	Tiara	Coral Reef	Mongoose
#5E5853	#C5CECF	#C8BCA3	#BF9E82

Chicago

مرد باغبونی که به شناخت خاک های مختلف و ترکیب و بهبود کیفیت خاک علاقه داره. اون همیشه خاک رو با ایده هایی که به نظرش جالبن ولی مستقیما برای روزمره اش کاربردی ندارن پر میکنه و غربال شدنشون رو به نیروی خاک میسپاره. نتیجه اینه که اغلب ، ایده اش تبدیل به ایده ی کاربردی تری میشه.

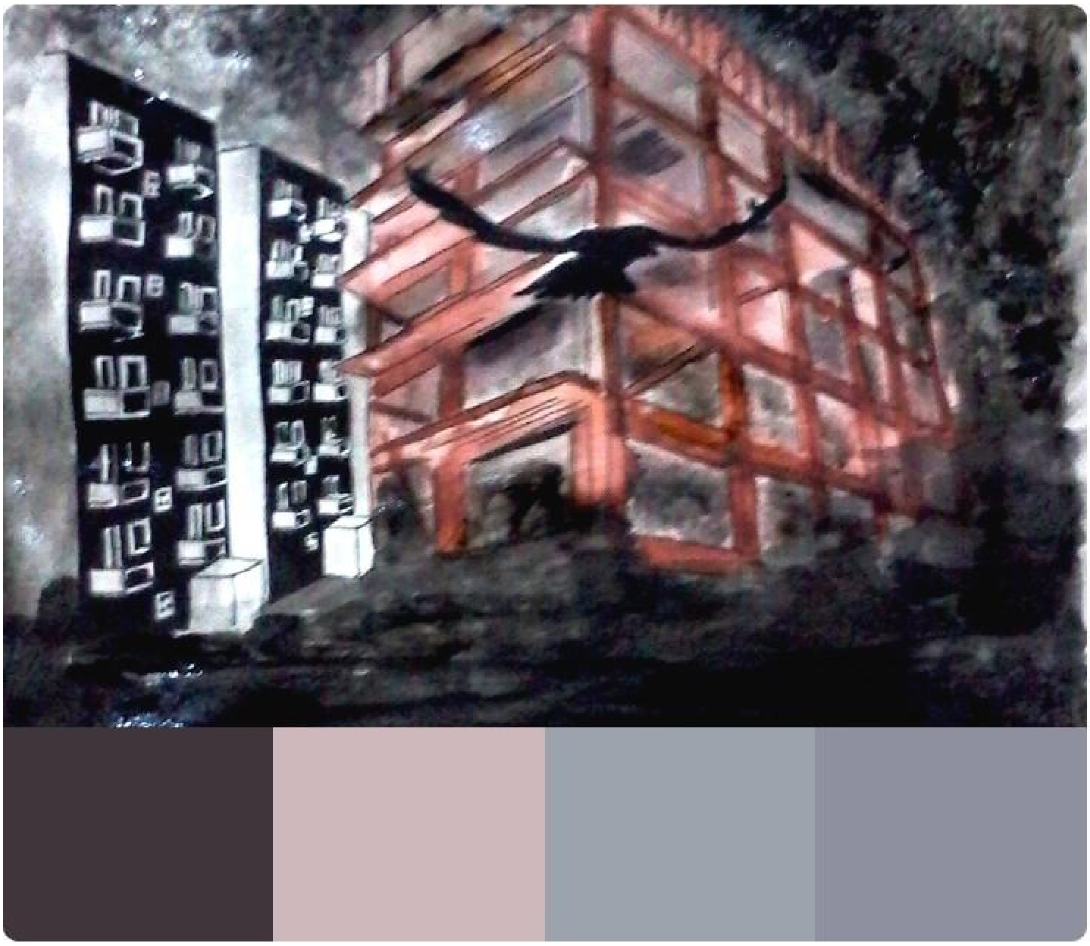
باغبان فقط نیاز به صبر و تحمل زمان داره، اما خاک روند طبیعی زندگیش رو طی میکنه. براش زمان معنایی نداره، فقط با ایده ها معاشرت میکنه.



Shuttle Gray	Silver Sand	Green Spring	Silver Chalice
#5E5F60	#C0C4C6	#B3B6B2	#A9A8A8

Shuttle Gray

مردی که کلاه هایی به سبک های مختلف میسازه و برای نوشتن کتابای جدیدش مدتی مطالعه میکنه و تا زمان مطالعه و نوشتن وقفه میندازه و مشغول زندگی روزمره میشه. چون عقیده داره ایده زمانی که دم بکشه، راحت تر بیان و مصرف میشه. کلاهو یکجور دمکنی میبینه با این حساب.



Thunder	Cold Turkey	Gray Chateau	Manatee
#3F353B	#CEB8BB	#9BA3AC	#8E909F

Thunder

یک فردی که در ظاهر توی دکه کار میکنه و رفتارای ساده لوحانه ای از خودش نشون میده. گاهی بیش از حد محبت نشون میده، ظاهر ژنده ای هم داره اما در واقع یکجور محافظه و از این طریق اطلاعات زیادی از آدم هایی که رفت و آمد دارن جمع میکنه.



French Gray	Ebony	Tawny Port	Pine Cone
#B6B9C2	#120C1E	#65234D	#726056

Ebony

این رنگ در حالت عادی خیلی سیاهه، اگر میتونید طیف رنگیشو تشخیص بدید یعنی حساسیت خوبی به رنگ ها دارید. برای این که طیف رنگیشو به طور دقیق بفهمیم کدش رو به یک سایت rgb میدم.



طیف رنگیش آبی پر رنگه. آبی پررنگ هیپنوتیزم کننده است و فردیو میبینم که به راحتی میتونه ذهن دیگران رو به بازی بگیره. رهبری و کنترلشون کنه یا در جهت خاصی تعلیم شون بده. اینطور آدمی به سختی به دستورات مافوق الش گوش میده و حتی ممکنه یه نگاه بدبینانه به فرمانده اش داشته باشه.
رقابت طلبی و محافظه کاری در صورت افراط بروز پیدا میکنه و باعث میشه که این فرد از جمع رونده بشه. هیچ چیز برای یه آدم رقابت طلب و حسود به اندازه رونده شدن و از بین رفتن اعتماد به نفس وحشتناک نیست.

فصل بافت ها

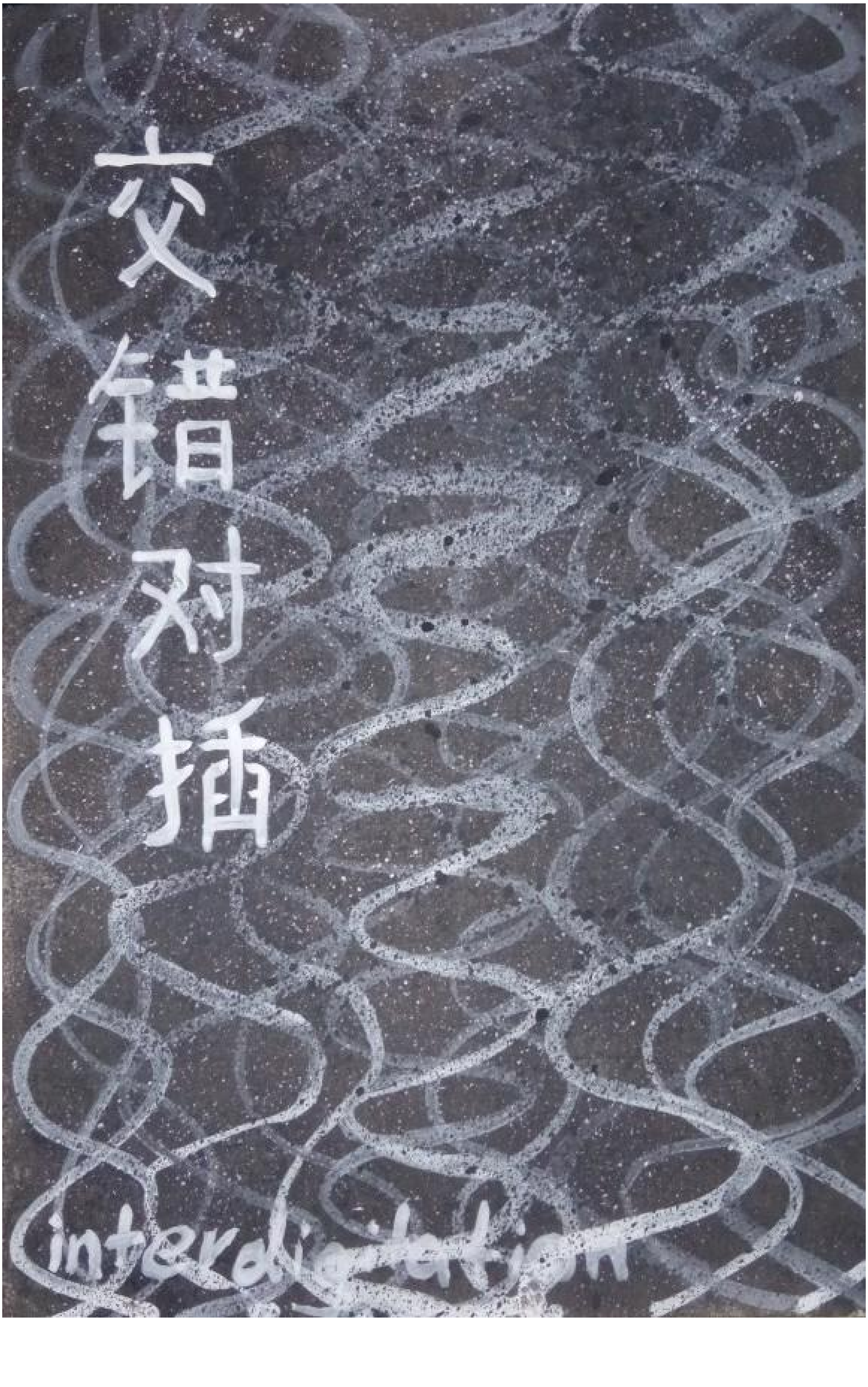
اون مقدار داستانی که برای طیفای نزدیک به سیاه در نظر گرفته بودم تموم شد. دوست دارم با توجه به وایب هایی که از رنگ سیاه گرفتم تعدادی بافت رو بسازم یا پیدا کنم. تا حالا در مورد بافت زیاد فکر نکردم و بهانه خوبیه که شروعش کنم.
بافت اصلا چیه؟ مثل رنگ ها میشه چند تا خطکش یا سیستم مختلف برای تعریف یا دسته بندی بافت درست کرد. قطعا میرم سراغ یه شیوه ای که راحت تر باشه. بافت برای من بیشتر شبیه مفهوم موجه، یک سری ذره که با آهنگ خاصی پیش میرن. مثلا قلمو چیزیه که ذره اش موقع ساخت انتخاب شده ولی اینکه موج هاش چجور باشه به نقاش بستگی داره.

هر نقاشی هم بسته به احساسات و عادت هایی که داره، یک سری بافت ها و موج ها رو بیشتر اجرا میکنه.
در مورد موجای نقاشی عامل زمان رو نداریم یا در واقع اندازه گیریشون دشواره. فقط شکلشو دارم. به کمک همین شکل به نمودار میبرم اش، به کمک همون شکل ذره و شکل موج، براش داستان میگم.
چیز بخصوصی برای دسته بندی انواع بافت به نظرم نمیرسه مگه اینکه هر کدوم رو به یه طیف رنگ نسبت بدم. مثلا این مدت بافت هایی رو جمع میکنم که با تمرکز روی رنگ سیاه به ذهنم میاد.



Accessory palatine foramen

فردی که درون گودال های یک جنگل با پوشش گیاهی خاص و کمیاب به دنبال قارچ میگرده. ناخواسته در انزوا زندگی میکنه و با زبان آدم ها آشنا نیست اما به کمک عناصر طبیعت به تدریج برای خودش یکجور زبان درست کرده و از این طریق به نوبه خودش، تجربه های ذهنی به دست میاره.


交错对插
interdigitation

Interdieilation

فردی با ذهن پردازنده که مدام در حال آنالیز و پیشگیری از فجایعی هست که فکر میکنه ممکنه اتفاق بیوفتن. اما در محیطی خونسرد و بی تفاوت زندگی میکنه. افکاری رو سطح بندی کرده و از این طریق هم به آنالیز ادامه میده و هم وانمود میکنه که داره یه زندگی روتین رو میگذرونه.



Absolute ranking

فردی که اغلب متهم میشه به بی نظم بودن. چه به لحاظ فکر و ایده پردازی چه به لحاظ محیطی که اطراف خودش ساخته اما در واقع از جهتی که خودش به این بی نظمی نگاه میکنه کاملا حس تسلط داره و از یه طرز فکر شاخه ای برای درک و طبقه بندی خیلی از داده ها استفاده میکنه.



Tektite

فردی که با دستگاه هایی که کارهایی شبیه پرس کردن رو انجام میدن بیشتر کار میکنه و در واقع به این ابزار ها علاقه داره. اون خونه اش رو از طریق سیم هایی که زیر پوشش ها مخفی کرده به شکل خلاق و خاص خودش مدیریت میکنه تا بتونه چیزهای ارزشمند زیادی رو در امنیت نگه داری کنه.



Postoptic fenestra

فرد با ثبات رفتاری بالا، روی فرایند های به ظاهر کسل کننده یا روتین توجه خودشو نگه میداره تا همیشه تمرین کننده حفظ ثبات باشه و حواس پرتی به سراغش نیاد.


伏你钾升升
升

فرد بداهه پرداز که با محیط های قانونمدار و آکادمیک اصلا سازگاری نداره. اون مهارت هایی که دوست داره رو به تنهایی مطالعه میکنه و به دست میاره و از داشتن استاد و زیر نظر بودن متنفره.



Teilzone

فردی که در مرور گذشته مهارت زیادی داره و این کار دیگه چندان سبب هدر رفتن انرژی و فروپاشی ذهنش نمیشه. مهارتی که بهش کمک میکنه احساسات پرحجم و خشن رو به تدریج تبدیل به چیزی سرگرم کننده، جالب یا مفید کنه.



Archeaomeryx

فردی اهل مطالعه که بیشتر به درک درون آدمها علاقه داره. تمرکز متوسط یا کمی داره، بیشتر از طریق چیزهایی که آدما مینویسن میتونه باهاشون ارتباط بگیره و درکشون کنه و حساسیت خاصی به صدا و حالات ظاهری نداره.



Abo formation

فردی که به صداها حساسیت زیادی داره و با ترکیبی از آواهای ظریف، سفر ذهنی خودش رو دنبال میکنه. انعطاف بالایی برای یاد گرفتن سازها و سبک های هنری داره.

اون میگه: برای کنترل سیال ترین احساسات ذهنی لازمه که آرامش بسیار عمیقی داشته باشیم، برای فردی که ناگهان مجبور شده با سیلی از این احساسات دست و پنجه نرم کنه، مهارت های مربوط به حفظ آرامش، نقش حیاتی تری دارن.



Teleosauridwe

فرد ریزبین با قدرت تشریح موضوعات منزجر کننده یا خیلی بد. میتونه موقتا تاثیرپذیریشون کور کنه. تا حالا ابروهایی رو دیدی که به خاطر بد برداشته شدن نمیتونن احساسای صورت فرد رو نشون بدن و چهره خنثی یا بی معنی میشه؟ این فرد موقتا میتونه به این شکل رفتار کنه.